

مجموعه‌ی «فقه مدرسه»

پرسش‌های فقهی تعلیم و تربیت معلمان و مربیان



شناسنامه

نام: پرسش‌های فقهی تعلیم و تربیت: معلمان و مربیان

گردآورنده: محمدرضا اشرف کاشانی، محمد روحانی

ناشر: دلیل ما







۷		سخن ناشر.....
۱۱		مقدمه.....
۲۱		اهمیت اشتغال به تعلیم و تربیت.....
۳۵		محتوای آموزشی.....
۵۵		مسائل مالی معلمان.....
۸۱		مناسبات معلم و دانش آموزان.....
۱۲۱		پی نوشت.....
۱۳۱		پیوست: توضیح اصطلاح‌های فقهی.....
۱۳۷		فهرست منابع.....



دین مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها برای زندگی فردی و اجتماعی است. ماهیت فرازمانی دین اقتضا می‌کند تا در موقعیت‌های گوناگون زندگی، راه‌حلهایی در اختیار متدینان قرار دهد تا پیوند دین و زندگی آن‌ها همواره حفظ شود.

از آن مجموعه «علم فقه» به شکل عملی و کاربردی، تکلیف متشرعان را در مواجهه با موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند؛ شرایطی که به دلیل وقوع حوادث خرد و کلان یا با پیدایش نهادهای جدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه‌ی مسلمانان اتفاق می‌افتد. تشکیل احزاب، تأسیس بیمه و بانک و راه‌اندازی مدارس جدید از مصادیق پیدایش نهادهای جدید در جامعه‌ی مسلمانان است. فقهای پارسا و پاسداران دین در پاسخ به استفتائات، به تبیین پذیرش این نهادها و چگونگی به‌کارگیری آن در میان مسلمانان اهتمام داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که تداوم و بقای آن و انتخاب و گزینش از بین وجوه مختلف کارکردی آن، با جامعه‌ی مسلمانان تناسب داشته باشد.

معلمی سابقه‌ای دیرینه به قدمت تاریخ تمدن بشری دارد؛ اما معلمی کردن در شرایط مختلف و از جمله در جامعه‌ی دینی ما، اقتضائات خاص خود را داشته و دارد. شکل‌گیری نهاد آموزش و پرورش جدید در جوامع مسلمان، شرایط را به گونه‌ای پیش برده است که خانواده‌ها فرزندان‌شان را به مدرسه می‌سپارند. قرار گرفتن معلم در چنین موقعیتی مستلزم پرداختن به جایگاه تعلیم و تربیت و عملکرد آن، مناسبات اداری-مالی معلمان با نظام مدرسه، مناسبات بین معلم و دانش‌آموزان و ملاحظات محتوایی و روشی در شیوه‌ی اداره‌ی کلاس‌هاست. مسیر پرسش و پاسخ از فقها تا حدود زیادی مواجهه‌ی متدینانه با نقش جدید معلمان در نظام آموزش و پرورش جدید را مشخص می‌کند.

این مسیر پرسش و پاسخ از فقها تا حدود زیادی مواجهه‌ی متدینان را با پیدایش یک نهاد نوظهور اجتماعی در جامعه نشان می‌دهد.

استفتائات جمع‌آوری شده، بیش از آن که در مقام ارائه‌ی یک «نظام» مطلوب آموزشی از دیدگاه فقه باشد، نقاط پراکنده‌ای را نشان می‌دهد که کنار هم قرارگرفتن آن‌ها، دغدغه‌های مؤمنان را در پیدایش نهاد جدید آموزش و پرورش نوین در جامعه به تصویر می‌کشد.

انتشار این مجموعه به این دلیل مفید است که در پیوند دین با آموزش و پرورش در دنیای جدید، به پرسشگری‌های نهاد آموزش از فقها و مرزداران دین، نظام می‌بخشد؛ راه‌های نرفته و موضوعات مهم فروگذاشته شده را نشان می‌دهد و در بستر یک جامعه‌ی متعهد به رعایت موازین فقهی، ملاحظات مختلفی را که به رشد نهاد آموزش کمک می‌کند، در کنار هم قرار می‌دهد.

در پایان، از مؤسسه‌ی مطالعات تعالی نسل (متن) که هدایت و راهبری تدوین این مجموعه را بر عهده داشته و از حجج اسلام محمد رضا اشرف کاشانی و سید محمد مهدی طاهایی برای آماده‌سازی نسخه‌ی اولیه، آقای محمد

روحانی برای تنظیم، ویراستاری نهایی و آماده‌سازی نسخه‌ی پایانی، آقای
 سید محمد احمدی برای بازبینی ترجمه‌ها، آقای محمد نوبختی برای کنترل
 منابع و تنظیم کتاب‌نامه و سایر عزیزانی که با صبوری و حوصله در فراهم آوردن
 این مجموعه به نحوی همکاری داشتند، قدردانی می‌کنیم.

پاییز ۱۳۹۷





زندگی

یکی از مهم‌ترین واجبات دین مبین اسلام، فراگیری احکام آن است. فهم درست احکام و عمل به آن، تضمین‌کننده‌ی سعادت انسان است. کسی که اسلام را برمی‌گزیند، باید برنامه‌های آن را در همه‌ی قلمروهای زندگی به‌طور کامل بپذیرد و رفتار و عملکرد خویش را مطابق با احکام دین تنظیم کند. برای این کار لازم است انسان مسلمان آن مقدار از احکام دین را که با آن مواجه است، بشناسد تا بتواند آن را در زندگی اجرا کند. قرآن کریم و روایات ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام با تأکید بسیار بر این موضوع، همگان را به یادگرفتن احکام دین تشویق و ترغیب کرده‌اند و از ضررهای فراوان آشنا نبودن با احکام الهی برحذر داشته‌اند. مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:

فرزندی دارم که دوست دارد مسائل حلال و حرام را از شما بی‌پرسد و از مطالبی که به او مربوط نیست، پرسش نمی‌کند.

حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند:

آیا بهتر از حلال و حرام سؤالی هست که مردم بپرسند؟!^۱

علم فقه از مقدس‌ترین علوم ارزنده‌ی اسلامی، عهده‌دار بیان روش صحیح بندگی خداوند متعال و کیفیت صحیح آن است. این علم در عصر پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام، پژوهندگان زیاد و رونقی چشم‌گیر داشته و مورد توجه پیروان دین بوده است؛ به‌ویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام که دانشمندان بسیاری در مسائل مختلف دینی و فروع احکام در محضر آن دو پیشوای بزرگ شیعه پرورش یافتند.

در زمان حضور ائمه علیهم‌السلام، خود امامان علیهم‌السلام عهده‌دار بیان احکام الهی بودند. هم‌چنین این موضوع را به عهده‌ی اصحاب و شاگردان خاص خویش نیز می‌گذاشتند. ائمه علیهم‌السلام مردم را به مراجعه به اشخاص فاضلی مانند زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر و آبان بن تغلب توصیه می‌کردند و آنان نیز مسائل حلال و حرام و احکام دین را در اختیار مراجعان می‌گذاشتند.

با فرا رسیدن دوران غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، استمرار بیان حلال و حرام و روشنگری برنامه‌های زندگی در جامعه، به فقهای جامع‌الشرايط واگذار گردید و موضوع فتوا و تقلید به‌طور گسترده‌ای رواج یافت.

احکام عملی دین بسیار گسترده است؛ زیرا همه‌ی اعمال انسان‌ها را اعم از عبادی، اقتصادی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، قضایی، جزایی و... در بر می‌گیرد. درباره‌ی این دسته از احکام الهی، توجه به دو نکته لازم است:

۱. شاخه‌های علم متعدد است. ممکن است فردی در یک رشته مهارت فوق‌العاده‌ای داشته و از رشته‌ی دیگر بی‌اطلاع باشد. در نتیجه، انسان به حکم عقل باید در رشته‌ای که تخصص ندارد، به کارشناس همان

۱. المحاسن ۱: ۲۲۹، ح ۱۶۸. [پاورقی متن اصلی]

رشته مراجعه و از گفته‌ی او پیروی کند؛ مثلاً متخصص رایانه، هنگام مریضی باید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا با بیماری‌ها و روش معالجه‌ی آن‌ها آشنا نیست. از این رو، پیروی از گفته‌ی پزشک را بر خود لازم می‌داند. به طور کلی، برای انجام دادن هر کاری که راه و روش آن را نمی‌دانیم، به تجربه‌ی همان کار مراجعه می‌کنیم و راه و چاره‌ی آن را از متخصص همان حرفه می‌پرسیم. آشنایی با احکام شرعی و شناخت حلال و حرام الهی نیز به همین شیوه است. از این رو، باید به فقیه که متخصص و کارشناس احکام دین است، مراجعه کرد.

۲. فهمیدن و به دست آوردن مطالب و معارفی که در قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده، آسان نیست و به تخصص و مهارت احتیاج دارد. تا کسی در ادبیات عرب و علوم مختلف اسلامی از قبیل تفسیر قرآن، درایه (حدیث‌شناسی)، رجال (شناخت راویان احادیث)، اصول فقه و... تخصص و مهارت نداشته باشد (اصطلاحاً مجتهد و فقیه نباشد)، هرگز نمی‌تواند احکام خداوند متعال را از منابع دین استخراج کند. رساله‌ی توضیح المسائل، محصول عمر یک فقیه است که با تکیه بر تخصص خود و با زحمت‌های طاقت‌فرسا، آن را از منابع دینی استنباط کرده و در دست‌رس مردم گذاشته است.

با توجه به آنچه بیان شد، برای یافتن شیوه‌های زندگی منطبق بر آموزه‌های دینی، مراجعه به فقها و عالمانی که راه اجتهاد و فقاقت را با آن وسعت و گستردگی پیموده‌اند، لازم است. از این رو، مسئله‌ی تقلید از مجتهد، به حکم عقل و منطق ثابت می‌گردد. هم‌چنین معلوم می‌شود که تقلید به

معنای پیروی کورکورانه^۱ نیست؛ بلکه به معنای مراجعه‌ی غیرمتخصص در مسائل دینی، به متخصص است. می‌توان این حدیث از امام عسکری علیه السلام را مؤید این مطلب دانست:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ.^۲

و اما هر کس از فقها که صیانت نفس^۳ داشته باشد، حافظ و نگهبان دین الهی خویش باشد، با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع فرمان مولای خویش باشد، بر مسلمانان است که از او تقلید کنند.

اکنون با توجه به آن چه ذکر گردید، روشن می‌شود که اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که به رتبه‌ی اجتهاد نرسیده‌اند و با ادله‌ی احکام آشنایی ندارند، جایز نیست و بر مؤمنان واجب است در تمام احکام دینی و مسائل شرعی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد اعتماد، مراجعه کنند.^۴

فروشگاه تخصصی کتب دینی

یکی از زمینه‌های رشد و توسعه‌ی دانش فقه، نیازها، پرسش‌ها و مراجعات مردم بوده است. آن بخش از فقه که پرسش‌های مردم در آن بیش‌تر بوده، بیش‌تر توسعه یافته است. گاهی برخی زمینه‌ها به دلیل اهمّیت بیش‌تر، جداگانه نیز مورد توجه قرار گرفته و تدوین شده است.

۱. اسلام با تمام قوا با پیروی کورکورانه مبارزه کرده است و قرآن مجید نیز آن را یکی از ناپسندترین صفات انسانی معرفی می‌کند.

۲. وسائل الشّیعه ۱۳۱:۲۷، ح ۳۳۴۰۱. [پاورقی متن اصلی]

۳. مالک نفس خود و نگهبان آن باشد تا بتواند خویشتن را در مقابل هر گونه انحراف و کج‌روی از راه مستقیم و مسیر بندگی خداوند متعال، مصون و ایمن نگاه بدارد.

۴. برگرفته از: حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع ۳۱:۱-۳۸.

شیوه‌ی تخصصی مشاغل امروز اقتضا می‌کند که هر صنف، از مسائل شغل خود آگاهی پیدا کند. بنابراین، نیاز به تدوین رساله‌های موضوعی بیش‌تر احساس می‌شود. در وضعیّت کنونی، در موضوعات مختلفی مانند مسائل بانوان، خانواده، بانک، درمان، ورزش و... می‌توان به مجموعه‌هایی فقهی دسترسی پیدا کرد. به نظر می‌رسد «مدرسه» یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که جا دارد بیش‌تر مورد توجّه فقهی قرار گیرد.

مدرسه بستر تربیت نسل آینده است و شایسته است تأثیرگذاران و تأثیرپذیران این بخش (معلّمان، مدیران، دانش‌آموزان و والدین) با مسائل خود در بستر تحصیل و مدرسه آشنا شوند. برای این مهم، راهی طولانی در پیش است تا به صورت فنی و گسترده بتوان مسائل این حوزه‌ی حسّاس را کاوید و احکام مربوط را به دست آورد. این کار مستلزم مطالعات میان‌رشته‌ای «فقه» و «تعلیم و تربیت» است که در جای خود بررسی شده است.

در نوشته‌ی پیش رو، تلاش شده از میان منابع مکتوب، فتاوا و استفتاهای مورد ابتلا در موضوع مدرسه و محیط آموزشی جمع‌آوری شود تا دسترسی به احکام مدارس برای مخاطبان آن، آسان شود. این استفتائات و فتاوا در سه جلد ارائه شده است:

- مدیران مدارس و فعّالان تربیتی؛
- معلّمان و مربّیان؛
- والدین و دانش‌آموزان.

البته بعضی مطالب به دلیل اشتراک موضوعی، در بیش از یک جلد مطرح شده است.

روشن است آنچه در این مجموعه گردآوری شده، بخش کوچکی از نیازهای این حوزه را پوشش می‌دهد؛ اما شاید راه‌گشای دل‌سوزان تعلیم و

تربیت فرزندان این مرز و بوم قرار گیرد. امید است این نوشته، اهل فضل را به تکاپوهای تکمیلی تشویق کند و مقدمه‌ای بر توسعه‌ی پژوهش‌ها در این زمینه شود.

برای استفاده‌ی هر چه بهتر از مجموعه‌ی حاضر، تذکر چند نکته را لازم می‌دانیم:

۱. یک تفاوت مهم میان رساله‌های استفتائات و رساله‌های عملیه این است که هنگام نوشتن رساله‌ی عملیه، تنظیم و تبویب مسائل در دست خود فقیه است و او مسائل را در عناوین کلی فقهی ذکر می‌کند؛ ولی آن چه به صورت مجموعه‌ی استفتائات جمع‌آوری شده، بیش‌تر ناظر به جزئیات و مصادیق عملی و موضوعات خارجی است. بسیاری از آن چه در این مجموعه جمع‌آوری شده، سؤالات ناظر بر نیازها و مشکلات جاری مدارس از نگاه پرسش‌کننده است. پراکندگی این نیازها و مشکلات و اختلاف سلیق و دیدگاه‌ها باعث شده تا برخی سؤالات با چند عنوان فقهی تناسب داشته باشند. در این مجموعه، تلاش شده فتاوا و استفتائات در ساختاری متناسب با فضای مدرسه‌داری طبقه‌بندی شوند. ضمن آن که آوردن متن سؤال به منزله‌ی تأیید دیدگاه پرسش‌کننده نیست.

۲. کتاب حاضر شامل استفتائات اشخاص مختلف از طبقات گوناگون از مراجع عظام است. گاهی پرسش‌کننده، شخصی عالم و فاضل بوده و گاه فردی عادی و دور از علم فقه. از این رو، سطح علمی سؤال‌ها یکسان نیست. در نتیجه، جواب‌ها نیز در یک سطح قرار ندارند.

۳. گردآورندگان این مجموعه بر این باورند که پرسش مسائل از محضر مراجع، امری است محتاج توانمندی فنی، آگاهی به اصطلاحات و

عبارات فقهی و شناخت دقیق از موضوع و شرایط محیطی. تجربه نشان می‌دهد در مواردی پرسش‌های مطرح‌شده، توسط عزیزانی بوده که از این دانش و مهارت برخوردار نبوده‌اند و از آن‌جا که پاسخ‌ها متناسب با متن ارائه شده است، همه‌ی ابعاد موضوع در استفتا و پاسخ منعکس نشده است. بر این اساس، توصیه می‌شود که مخاطبان در مسائل مورد نیاز تا حدّ ممکن به نمونه‌های ارائه‌شده در این مجموعه اکتفا نکنند و پرسش‌های دقیق‌تری را از دفاتر مراجع عظام بپرسند.

۴. در مجموعه‌ی حاضر تلاش شده تا اختلاف فتاوا با استناد به منابع موجود تبیین شود؛ اما از آن‌جا که نظر همه‌ی مراجع در یک موضوع با مراجعه به استفتانات موجود از آن‌ها روشن نمی‌شود، رعایت قواعد و احکام تقلید را در عمل به این مسائل به خوانندگان یادآوری می‌کنیم؛ از جمله:

الف) گاهی برخی فتاوا همراه با تشخیص مصداق است؛ یعنی دو شأن «بیان حکم» و «تشخیص» با هم در یک پاسخ وجود دارد.

ب) درک دقیق برخی فتاوا نیازمند مراجعه به ابواب فقهی مرتبط با آن و مطالعه‌ی بیش‌تر است.

۵. برخی سؤال‌ها و مسائل با یک‌دیگر مشابه‌اند؛ اما نوعاً در هر سؤال، نکته‌ی جدیدی وجود دارد. علاوه بر این، بسیاری از سؤال‌ها، پرسش از نمونه‌ها و مصادیق خارجی متمایز است و نباید توهم اختلاف در حکم پیش‌آید که این امر به دقت بیش‌تری نیاز دارد.

۶. برخی مسائل یا استفتاها ناظر به فضای دانشگاه، اداره‌ها یا حوزه‌های علمیّه است؛ اما به دلیل تناسب محتوایی با احکام مدارس، در این مجموعه گردآوری شده‌اند.

۷. استفتائات این مجموعه، منحصر به یک کشور نیست؛ بلکه حاصل نامه‌هایی است که از کشورهای مختلف به مراجع رسیده است. بنابراین، ممکن است برخی پرسش‌ها با محیط و وضعیت فرهنگی ایران سازگار نباشد.

۸. برخی از سؤالات این مجموعه مربوط به دهه‌های گذشته یا دربرگیرنده‌ی پیش‌فرض‌هایی است که صحت آن‌ها برای صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قطعی نیست. با توجه به تحولات دانش علوم تربیتی و تغییرات فرهنگ مدرسه‌داری، ممکن است عمل بر اساس آن استفتائات در شرایط فعلی امکان‌پذیر یا قابل توجیه نباشد.

در پایان، برخی قواعد و ملاحظات را که در تنظیم این مجموعه مورد دقت قرار گرفته است، یادآور می‌شویم:

۱. بنای این مجموعه به گردآوری مسائل مربوط به مدرسه از متون فقهی موجود بوده است؛ اما در موارد معدودی برای تکمیل مباحث، مسائلی از دفاتر مراجع عظام استفتا شده است. این استفتائات، کتبی و از طریق نامه یا سایت مراجع انجام شده است. بر خود لازم می‌دانیم که از همکاری و زحمات دفاتر مراجع عظام قدردانی کنیم.

۲. در مواردی که فهم بهتر مسائل نیازمند توضیح بوده، توضیح‌های کوتاه داخل [] به متن اضافه شده و توضیح‌های طولانی، در پاورقی ذکر شده است. همه‌ی این موارد به قلم گردآورنده‌ی این مجموعه است. لازم به تذکر است در مواردی که پاورقی نیز از منبع نقل شده باشد، با عبارت «[پاورقی متن اصلی]» مشخص شده است. هم‌چنین در پایان کتاب، اصطلاحات فقهی به کاررفته در کتاب در قالب پیوست توضیح داده شده است.

۳. مسائل و استفتائاتی در منابع اصلی و اَوّلی به زبان عربی بوده که برای حفظ پیوستگی و راحتی خواننده، به زبان فارسی ترجمه شده است. متن اصلی این موارد در پیوست کتاب و شماره‌ی پیوست، در متن اصلی در پرانتز بالا نویس شده است.

۴. در مواردی که منبع یک فتوا رساله‌ی محشّی بوده، در صورتی که متن نقل شده در کتاب حاضر نظر حاشیه‌نویس رساله بوده، در پاورقی نام مرجع مورد نظر ذکر شده است؛ برای مثال: «بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع (محشّی) ۲: ۸۷۳». (نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی) یعنی نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی در متن ذکر شده است.

۵. در مسائلی که متون متعدّد فتوایی به آن پرداخته‌اند اما اختلاف چشم‌گیری در میان آن‌ها وجود ندارد، تلاش شده روان‌ترین عبارت انتخاب شود.

۶. در چینش مسائل و استفتائات ذیل هر عنوان، بنا بر آن بوده که ابتدا مسائل کلی و حاوی ضابطه ذکر گردد، سپس سوالات و مسائل جزئی و موردی بیان شود.

۷. در متن این کتاب، علامت  به معنای مسئله‌ی شرعی،  به معنای استفتا از مرجع تقلید و  به معنای پاسخ استفتا است.

در پایان، از توجّه اهل دقّت و فضل تشکر می‌کنیم و امید داریم با انتقادات و تذکرات مشفقانه‌ی خود ما را در تکمیل این مجموعه یاری رسانند.

مؤسسه مطالعات تعالی نسل (متن)

پاییز ۱۳۹۷



فصلِ اوّل

اهمّیت اشتغال به تعلیم و تربیت

۱. ضرورت رعایت ضوابط دینی ۲۳
۲. جایگاه مربّی ۲۳
۳. آسیب شناسی تربیت دینی ۲۶
۴. وجوب اهتمام به امور مسلمین و بی نیازی از کفّار ۲۹
۵. تدریس در فرض عدم رضایت والدین ۳۰
۶. تدریس بانوان ۳۰

تربیت دینی نسل همواره مرهون اساتید و مربیانی بوده که آگاهانه مسیر تعلیم و تربیت فرزندان جامعه‌ی خویش را برگزیده و همّت و عمر خود را در این عرصه‌ی مقدّس صرف کرده‌اند. این امر در زبان فقها از جهات مختلف مورد توجّه قرار گرفته است. گاه براساس توصیه‌ی روایات، به ضرورت و نیاز به تربیت دینی خود و دیگران تأکید کرده‌اند و گاه به خطرات و آسیب‌های مختلفی که نسل را تهدید می‌کند توجّه ورزیده و برای برون‌رفت از آن بر تربیت دینی تأکید کرده‌اند. در فصل حاضر نمونه‌هایی از این دست ذکر شده است که اهمّیت اشتغال به تعلیم و تربیت را آشکار می‌کند.

۱. ضرورت رعایت ضوابط دینی

📖 مسائلی را که انسان غالباً به آن‌ها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.^۱

📖 بر مسلمانان لازم است که حقوق و روابط اجتماعی خود را طبق احکام اسلام، مرتب و منظم کنند و از بدع [= بدعت‌ها] و سنت‌های بیگانان، جداً پرهیز نمایند.^۲

📖 هر مسلمانی باید سعی کند روش و رفتار و اخلاق او، طبق تعلیم اخلاقی و فقهی اسلامی باشد تا هم خودش سعادتمند گردد و هم بر آبروی جامعه‌ی اسلامی بیافزاید.^۳

📖 کسانی که متدین و ملتزم به احکام اسلام نیستند و اهل نماز و روزه و وظایف شرعیّه نمی‌باشند، لیاقت عهده‌داری مشاغل اجتماعی اسلامی و مناصب عمومی را ندارند و اگر عهده‌دار شوند، غاصب و متجاوز به حقوق عمومی شناخته می‌شوند.^۴

فروشگاه تخصصی کتب دینی

۲. جایگاه مربّی

📖 شغل شریف معلّمی از مشاغلی است که عقل و شرع بر احترام آن اتفاق دارند و علوّ منزلت و رتبه‌ی معلّم در بین تمام ملل و اُمم همواره مورد تصدیق و تأیید بوده و هست.

خداوند متعال طبق فرموده‌ی خود در قرآن مجید، معلّم کلّ انسان‌ها و معلّم آدم ابوالبشر و معلّم حضرت رسول خاتم ﷺ است و تمام ممکنات، زیر پوشش تعلیم و تربیت تکوینی، تشریعی و فطری او قرار دارند.

۱. موسوی خمینی، توضیح المسائل: ۱۴، م ۱۱.

۲. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۱: ۵۳۴، م ۲۲.

۳. همان، م ۲۳.

۴. همان، م ۲۴.

انبیای عظام علیهم‌السلام یکی از بزرگ‌ترین وظایفشان، تعلیم و تربیت است و حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افضل مخلوقات و خواجه‌ی کائنات، در تقدیر و تعظیم مقام معلّم طبق فرموده‌ی خودشان، «أَنَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»، معلّم کتاب و حکمت بود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سایر ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام مظاهر صفت تعلیم و تربیت جامعه‌ی الهیه هستند. مدرسه‌ی تعلیم و بیان علوم و معارف و احکام آن بزرگواران، از همان صدر اسلام گشایش یافت و تا به امروز، یگانه مدرسه‌ی جهانی است که هزاران معلّم در آن پرورش یافته و در اطراف و اکناف جهان، شهر و روستا، مساجد و حسینیه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و منازل، شغل مقدّس آموزگاری دارند.

معلّم قرآن، معلّم احکام، معلّم اخلاق، معلّم اعتقادات و اصول دین، معلّم خطّ و نگارش، معلّم تاریخ و سرگذشت عبرت‌انگیز گذشتگان، معلّم علوم ادب، معلّم علوم پزشکی، معلّم فیزیک، شیمی، ریاضیات، هیئت و نجوم، معلّم انواع صنایع، معدن‌شناسی، زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی و... همه فضیلت دارند و تعلیم همه را می‌توان به‌عنوان خدمت به جامعه و عزّت و شوکت اسلام و مسلمین و رفع نیاز از بیگانگان برای کسب ثواب و رضای خداوند متعال انجام داد. البتّه بدیهی است که در این‌جا مقصود از تعلیم و معلّم، تعلیم علوم مشروعه و کمالات مفیده است.

در صورتی که معلّم با این شعور و ادراک عالی و هدف مقدّس، علوم مذکوره را تعلیم دهد، هیچ یک از متاع‌های دنیوی را نمی‌توان با ارزش کار او برابر شمرد.

هر چه خلوص نیت معلم در این راه بیش تر و اهتمام او در تربیت افراد مفیدتر و کامل تر باشد، ارزش معنوی کار او بیش تر می شود.

در جامعه‌ی اسلامی، وقتی سخن از تعلیم و معلم و شأن و مقام معلم به میان می آید، تعلیم و تعلم در رشته‌های مذکور است. هرچند تعلیم علوم اسلامی و علوم قرآن و شرعیات را موقعیتی خاص است، اما چون همه‌ی این علوم برای کمال دین و آخرت و نظام معاش و معاد و نفی فقر و جهل لازم است و از طرفی معلم در همه‌ی این رشته‌ها می تواند در ضمن تدریس، دانش آموزان را با اسلام و معارف و مکتب حق اهل بیت علیهم السلام آشنا سازد، شغل معلم فرصت بسیار خوبی برای اوست که دانش آموزان را به راه راست اسلام هدایت نماید و بالعکس، چنان چه خدای ناکرده، معلم متعهد نباشد و سلامتی اخلاقی و عقیدتی نداشته باشد، در هر رشته‌ای که تدریس کند، ممکن است بر افکار و عقاید و اخلاق دانش آموز اثر سوء بگذارد.

در این میان هم، رشته‌هایی از آداب و فنون فساد انگیز می باشد که آموزش و تعلیم آن ها جایز نیست و حساب معلمان حقیقی که با انبیا و ائمه علیهم السلام همکاری دارند و از مکتب آن ها الهام می گیرند، از کسانی که به آموزش این فنون مبتذل و حرام عمر خود و دیگران را ضایع می نمایند، جداست.

معلمانی که با این خصوصیات در راستای ترویج دین به این شغل شریف پرداختند، باید قدرشان بود؛ چرا که در روایات از معلم به پدری و ابوت تعبیر شده است؛ شأن معلم و متعلم، همان شأن مولی و عبد است. اگر چنان که باید قدردانی از معلم نشود، کفران نعمت و اگر در جامعه چنان باشد که از بازیگر و بلکه خواننده و نوازنده بیش از معلم یا هم تراز با معلم احترام کنند و جوایز کلان را به اصطلاح به هنرمندان و اصحاب ملاهی بدهد، علامت انحطاط اخلاقی است.

اساتید و معلمان بزرگوار و محترم باید اهتمام داشته باشند تا کار خود را برای خدا و در راه خدا قرار دهند و با دانش‌آموزانی که در کلاس آن‌ها هستند، با کمال مهر و محبت و فروتنی رفتار کنند؛ مسئولانه در کلاس حاضر شده و از امانت‌هایی که به آن‌ها سپرده شده و می‌شود، خوب نگه‌داری کنند که عمر و وقت آن‌ها - که نه فقط به خودشان، بلکه به کل جامعه مربوط است - تلف نشود.

بدانند که اخلاق، آداب، روش و گفتار و کردار معلم، حتی ظاهر لباس و سر و صورت او، بر دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و بعد از خانه و محیط منزل، یا مهم‌تر از خانه، محیط انسان‌ساز، محیط مدرسه و کلاس درس و اخلاق معلم است. «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَإِيْخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا»^۱ زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می‌روید و آن‌چه پلید است جز [حاصلی] ناچیز نمی‌پروراند.^۲

دینوک

۳. آسیب‌شناسی تربیت دینی

✉ آیا دغدغه‌ی ضمان در امر تربیت می‌تواند ترک یا عدم ورود به امر تربیت را توجیه کند؟ مثلاً مربی بترسد که دانش‌آموزی به خاطر خطایی که خواسته یا ناخواسته از او سر می‌زند، به دین یا حکمی از دین بدبین شود و از دین‌داری یا تقیّد به برخی از احکام دست بردارد یا در اعتقادش سست شود. اگر دست از تعلیم و تربیت بشوید، آیا مطابق وظیفه عمل کرده یا خلاف آن؟ آیا نگرانی مربی از گم‌راه کردن دیگران، کمک به معصیت یا به حرام انداختن آنان، مجوّز ترک این شغل می‌شود؟

۱. اعراف (۷): ۵۸. [پاورقی متن اصلی]

۲. صافی گلپایگانی، پایگاه اطلاع‌رسانی، یادداشت معظم‌له به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید (سال انتشار: ۱۳۹۵).

✍ اصل وجود چنین نگرانی‌هایی مفید است؛ علی‌الخصوص که سبب مراقبت بیش‌تر شخص شود؛ اما در جایی که اهتمام به امر تربیت باعث هدایت و یا ابقای عده‌ی بیش‌تری در راه حق می‌باشد، نگرانی مذکور وجهی ندارد.^۱

✉ مهم‌ترین شرایط در هر مرحله‌ای برای درستی و دقیق بودن اندوخته‌ی علمی در مورد طالب علم چیست تا شخص از مصادیق عنوان‌های ادّعا و کذب و تدریس کردن درسی که شایستگی تدریس آن را ندارد یا غیر این‌ها از مسیرهایی که برای طالب علم در علم پیش می‌آید قرار نگیرد؟

✍ در این زمینه شرطی وجود ندارد، مگر دانش و توانایی او برای تدریس و این مسئله [احراز این شرایط] تابع اطمینان او می‌باشد.^{۲ و ۳}

✉ دنیای مدرن، تمام احساسات، عواطف، عقل و ذهن بشر را درنوردیده و بر همه‌ی امکانات انسان سیطره یافته و از انسان در حقیقت به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. در این میان تکنولوژی که نقش اول را بازی می‌کند، رشد و توسعه‌ی فزاینده‌ی آن در عصر مدرن، تمام حقیقت انسان را به زیر سلطه‌ی خود درآورده است؛ تا آن‌جا که فکر و اندیشه‌ی بشر را جهت می‌دهد و فرهنگ اجتماعی‌اش را دگرگون می‌سازد و بر نوع اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری‌اش، تصمیم‌گیری می‌کند و انسان را به یک موجود کژاندیش و هنجارکش مبدّل ساخته است. در این راستا، اولین برنامه برای نوجوانان و جوانان طرّاحی شده است؛ چرا که آنان آماده‌ی جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های مهمّ اجتماعی هستند و طرّاحان به این وسیله کشورها را زیر سلطه‌ی خود درمی‌آورند یا از موجودیّت و هویت اصلی خودشان ساقط می‌سازند. اکنون وزارت آموزش و پرورش با توجّه به مأموریت خطیر خود، با

۱. شبیری زنجان، استفتا از دفتر، کد ثبت ۱۲۰۰۷، س ۶.

۲. حسینی سیستانی، استفتائات: ۵۵۲، س ۲۱۸۸.

همکاری دیگر نهادها، همایشی را تحت عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش» ترتیب داده تا بدین وسیله ریشه‌ها، موانع و راه کارهای عملی جهت بازشناسی موانع و عوامل بازدارنده‌ی تربیت دینی را از طرف صاحب‌نظران در عرصه‌های مختلف شناسایی نماید. با عنایت به اهداف همایش، سؤالاتی طرّاحی شده که انتظار می‌رود با پاسخ‌گویی به آن‌ها، ما را در این مهم یاری فرمایید.

۱. آیا در حوزه‌ی تربیت دینی آسیبی برای جوانان و نوجوانان مشاهده می‌شود؟ اگر هست، این آسیب‌ها در چه عرصه‌هایی رخ می‌نماید؟

کمی شک آسیب‌هایی برای جوانان و نوجوانان در حوزه‌ی تربیت دینی وجود دارد که در دو شاخه خلاصه می‌شود: آسیب‌های اعتقادی و آسیب‌های اخلاقی؛ که اگر روی آن کار جدی انجام نگیرد، در آینده شاهد مشکلات مهمّ دینی و اجتماعی و سیاسی خواهیم بود.

۲. منشأ این آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زا چه چیزهایی است؟

کمی منشأ این آسیب‌ها را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف) وجود عوامل تشویق‌کننده به مفاصد اخلاقی و اباحی‌گری که از ویژگی‌های عصر ماست؛

ب) تفسیر نادرست از مسئله‌ی آزادی و عدم توجّه به این نکته که همیشه آزادی‌ها در چارچوبه‌ی ارزش‌هاست؛

ج) عدم اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع و محروم ماندن قشر جوان و نوجوان از آموزش‌های مستمر و گسترده‌ی دینی؛

د) از همه مهم‌تر، دست‌های مرموز سیاست مخرب دشمنان است که برای دور کردن جوانان از حوزه‌ی تربیت و اعتقادات دینی از طرق مختلف فعالیت می‌کند و معتقد است مانع اصلی نفوذ در عرصه‌ی سیاسی کشور ما،

اعتقادات محکم مذهبی و پای بندی به اخلاق دینی است و به راستی اگر آن‌ها در کار خود موفق شوند، مانع مهمی بر سر راه نفوذشان باقی نمی‌ماند.
۳. راه کارهای اصلاح و تغییر در وضع آسیب‌ها و هم‌چنین وضعیت مطلوب برای زدودن آسیب‌ها را در چه چیزهایی ارزیابی می‌فرمایید؟

📖 راه کارهای اصلاح نیز در امور زیر خلاصه می‌شود:

(الف) آموزش مستمر با منطق و ادبیات خاص جوانان؛

(ب) حل مشکلات مربوط به تحصیل و کار و ازدواج جوانان؛

(ج) پاک‌سازی محیط از مراکز و عوامل فساد؛

(د) همکاری تنگاتنگ تمام رسانه‌های جمعی در این زمینه.^۱

۴. وجوب اهتمام به امور مسلمین و بی‌نیازی از کفار

📖 وظیفه‌ی هر مسلمان است که در بهبودی امور و وضع معاش و اقتصادی مسلمانان اهتمام نماید که **مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ**^۲.

📖 یادگرفتن و یاددادن علوم و صنایعی که مورد احتیاج عموم است و هم‌چنین علوم و صنایعی که سبب قوت و شوکت جامعه‌ی مسلمین و برتری قوای دفاعی آن‌ها بر کفار می‌شود، بر همه واجب مؤکد است به وجوب کفای و باید مسلمانان به نحوی قوی شوند که قطع طمع کفار را از بلاد و نوامیس و اعراض و اموال و معادن و ثروت خود بنمایند.^۴

✉ امروزه کدام یک از تخصص‌های علمی برای اسلام و مسلمین مفیدتر است؟

۱. مکارم شیرازی، استفتاات جدید ۳: ۵۳۵، س ۱۴۹۱.

۲. ترجمه: هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نوزد، مسلمان نیست.

۳. موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل ۱: ۵۳۵، م ۲۵.

۴. همان: ۵۳۲، م ۱ و صافی گلپایگانی، توضیح المسائل: ۵۰۳، م ۲۸۷۲.

ک شایسته است که علما و اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها به همه‌ی تخصص‌های علمی مفیدی که مورد نیاز مسلمانان است، اهتمام بورزند تا از اجانب به‌خصوص دشمنان اسلام و مسلمین بی‌نیاز شوند و تشخیص مفیدترین آن‌ها با مسئولین ذی‌ربط با در نظر گرفتن شرایط موجود می‌باشد.^۱

۵. تدریس در فرض عدم رضایت والدین

☒ من با پدرم مشغول ساختن خانه‌ای بودیم. در وسط کار به من گفتند وجود تو برای آموزش و پرورش لازم است؛ لذا من راهی آموزش و پرورش شدم. اکنون پدرم می‌گوید: «اگر برای کمک به من برگردی تو را عاق می‌کنم!» با توجه به این که خداوند می‌فرماید: «احترام به پدر و مادر واجب است»، تکلیف مرا روشن فرمایید.

ک اختیار با خود شماست و رضایت پدر در این جهت معتبر نیست؛ بلی، از کاری که موجب آزدگی خاطر پدر باشد، خودداری کنید.^۲

فروشگاه تخصصی کتب دینی

۶. تدریس بانوان

☒ آیا تمام احکام تعلیم و تعلّم که برای مردان وجود دارد، برای بانوان نیز هست؟

ک خیر، موارد آن مختلف است.^۳

☒ در مورد تقدّم بین وظایف تربیت فرزند و تدریس در مدارس دخترانه (برای خواهرانی که قبلاً تدریس می‌کرده‌اند)، وظیفه چیست؟

ک موارد مختلف است و خروج زن از منزل باید با اجازه‌ی شوهر باشد و

۱. حسینی خامنه‌ای، أجوبة الإستفتاءات (فارسی): ۲۹۵، س ۱۳۳۰.

۲. موسوی خمینی، استفتاءات ۳: ۵۹۸، س ۸۸.

۳. بهجت فومنی، استفتاءات ۳: ۲۳۹، س ۴۱۵۵.